

چندی پیش که با سردبیر مجله نامه بهارستان در گفتگو بودم از نسخه قرآنی به خط ابن مقله بن سلیمان محمود الکاتب سخن به میان آمد که کتابت آن در ۲۷ شعبان سال ۵۰۹ به پایان رسیده است. این نسخه به شماره ۱۲۰۸ از نفایس موزه آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه (س) به شمار می آید و می تواند اطلاعات بسیار ارزنده ای درباره سیر تحولات خط نسخ، تکامل ویژگی های رسم الخطی، تذهیب و ... در اختیار محققان قرار دهد و البته تأمل در نام کاتب نیز در خور توجه می باشد.*

این نسخه در دوره صفوی به طور کامل و متأسفانه با حذف قسمت هایی از تذهیب سرسوره ها ترمیم شده* و در درون حاشیه ای نو قرار گرفته است. همچنین به نظر می رسد که جلد اصلی آن یا نابود شده و یا غیر قابل تعمیر بوده و در نتیجه در همان دوره صفوی جلد لاکمی جدیدی ساخته و جایگزین آن گردیده است. استاد احمد نیریزی هم این جلد را به سال ۱۱۱۸ق* مزین به روایاتی با موضوع فضل تلاوت قرآن کریم ساخته که شاید نشانه ارادت ایشان به نام «ابن مقله» بوده باشد.

عامل انسانی در طول چند قرن گذشته باعث فرسودگی این نسخه، گسیختگی دوخت، پارگی عطف و آسیب دیدن قسمت هایی از جلد شده بود و از همین روی حدود دو سال پیش برای ترمیم مجدد به کارگاه مرمت آستانه مقدسه ارسال شد. در آن تاریخ من نیز در کارگاه حضور داشتم و این کار را بر عهده گرفتم، البته در خلال ترمیم برگ ها به کنکاش در آنها و یافتن شگردهایی که پیشینیان برای متن و حاشیه کردن به کار می برده اند نیز می پرداختم تا بر اندوخته های خود بیافزایم.^۱

^۱ باید متذکر شوم که ترمیم جلد به خاطر ویژگی های خاصی که داشت به صورت گروهی انجام شد و دیگر اعضای کارگاه نیز در جبران آسیب های آن مشارکت داشتند.

نشان صحاف

(نکته ای درباره جزوبندی و ترفند صحاف)

محمد تهرانی*

(قم)

چکیده: متن و حاشیه کردن یکی از روش های متداول در ترمیم دستنوشته های اسلامی است، در این روش حاشیه های فرسوده یک نسخه از آن جدا شده و متنی که باقی می ماند در درون حاشیه ای نو قرار داده می شود، بدیهی است در گام نخست از این فرایند جزوهای یک کتاب خطی از بین می رود و متن باقی مانده تبدیل به برگ هایی تکی و جدای از یکدیگر می شود. حفظ نمودن ترتیب این برگ ها در گام بعدی بسیار مهم است و احتمال جا به جایی آنها به صورتی ناخواسته وجود دارد، از همین روی برخی از ترمیم کاران گذشته برای حفظ این ترتیب از نشانه بهره برده اند، در پایین برگ اول با وسیله ای مانند یک چاقوی کند خطی فرو رفته و بسیار ظریف به وجود آورده اند و در پایین برگ دوم دو خط و ... تا اینکه برگ های متعلق به یک جزو به پایان رسیده و پس از قرار گرفتن در حاشیه جدید نوبت به برگ های بعدی برسد.

البته گاه نیز به جای خطی فرو رفته و ظریف از ایجاد نقطه های فرو رفته و بسیار کوچک استفاده کرده اند، برگ اول یک نقطه، دومی دو نقطه و ... همانند سوزنی کردن برخی قسمت های تذهیب و یا ترام نمودن زمینه جلد های نفیس.

کلید واژه: متن و حاشیه کردن؛ جزوبندی؛ نشان گذاری؛ خط های ظریف؛ نقطه های کوچک.

* پژوهشگر و ترمیم کار نسخه های خطی.

✓ عکاس؛ محمدمامین گل سرخ. با تشکر فراوان از ایشان.



ت ۱: سرسوره ترميم شده در دوره صفوی؛ نسخه به خط ابن مقلة بن سليمان محمود الكاتب، ۲۷ شعبان ۵۰۹ (قم: موزه آستانه حضرت معصومه (س)، ش ۱۲۰۸).

استادی که در دوره صفوی به ترمیم نسخه محمود الکاتب پرداخته برای آنکه دچار چنین مشکلی نشود در پایین هر برگ و بر روی طرف «ب» علامتی مانند چوب خط ثبت نموده، یعنی با فشردن نوک وسیله‌ای فلزی و نه چندان تیز بر سطح کاغذ خطوطی بسیار ظریف که به راحتی قابل دیدن نمی‌باشند ایجاد کرده که بر اساس آنها هم می‌توانسته رو و پشت هر برگ را تشخیص دهد و هم ترتیب آن را (برگ‌های ۱۰۲ تا ۱۰۹). برگ اول داری یک خط و برگ بعدی دو خط و ... تا آنکه برگ‌های متعلق به یک جزو به پایان رسند.*

← ت ۴-۱۱

من در گذشته با نسخه قرآنی دیگری نیز روبرو شده‌ام که ترمیم‌کار آن، هنگام متن و حاشیه کردن از همین روش استفاده کرده بود، البته آثاری که وی بر روی برگ‌ها برجای نهاده نقطه‌های بسیار کوچکی است که از فروردن وسیله‌ای مانند سوزن به وجود می‌آیند.

فکر می‌کنم وسیله ترمیم‌کار اول یک خطزن بوده، این وسیله به سان کاردی با تیغه‌ای کوتاه و کاملاً گند است و برای جدول‌کشی بر روی جلد‌های چرمی مورد استفاده قرار می‌گیرد، نوک تیغه داغ شده و با هدایت خط‌کش بر محل مورد نظر کشیده می‌شود تا جدول‌هایی فرورفته را بر روی چرم ایجاد کند.*

← ت ۲-۳

در گفتگو با جناب کاشانی متذکر نکته‌ای در این باره شدم که به نظرم از چنان اهمیتی برخوردار نمی‌بود که به خاطر آن مقاله‌ای مستقل نوشته شود اما بنا به خواست ایشان این نکته را توضیح داده و به همراهی عکس‌های مربوطه برای مجله نامه بهارستان ارسال نمودم.

هنگامی که استفاده از روش «متن و حاشیه کردن» برای ترمیم یک دست‌نوشته در دستور کار قرار گیرد، حاشیه‌های فرسوده از متن نوشته جدا می‌گردد و در نتیجه جزو بندی پیشین از بین می‌رود و هر لک تبدیل به دو برگ جدا از هم می‌شود و آنچه که باقی می‌ماند اوراقی تکی و انباشته بر روی هم است.

حفظ نمودن ترتیب این اوراق که غالباً هیچ نشانه‌ای، مانند شماره صفحه و یا برگ با خود ندارند بسیار مهم است. در فرایند متن و حاشیه کردن احتمال فراوانی وجود دارد که این ترتیب به صورت ناخواسته به هم بخورد و یا پشت و روی برگ قابل تشخیص نگردد، در این صورت ترمیم‌کار مجبور است با مطالعه متن، جابه‌جا شدن اوراق را سامان بخشد که مستلزم صرف وقت است.



ت ۲ - ۳: خطزن (بالا) و نقطه زن (پایین)؛ از ابزارهای شخصی مؤلف (محمد تهرانی).

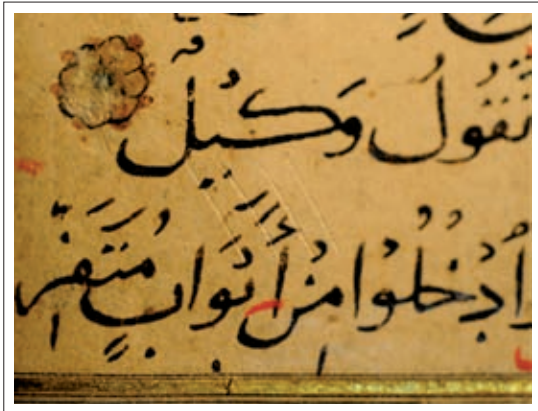




ت ۵: نشان صحاف (۲)، گ ۱۰۳.



ت ۴: نشان صحاف (۱)، گ ۱۰۲.



ت ۷: نشان صحاف (۴)، گ ۱۰۵.



ت ۶: نشان صحاف (۳)، گ ۱۰۴.



ت ۹: نشان صحاف (۶)، گ ۱۰۷.



ت ۸: نشان صحاف (۵)، گ ۱۰۶.



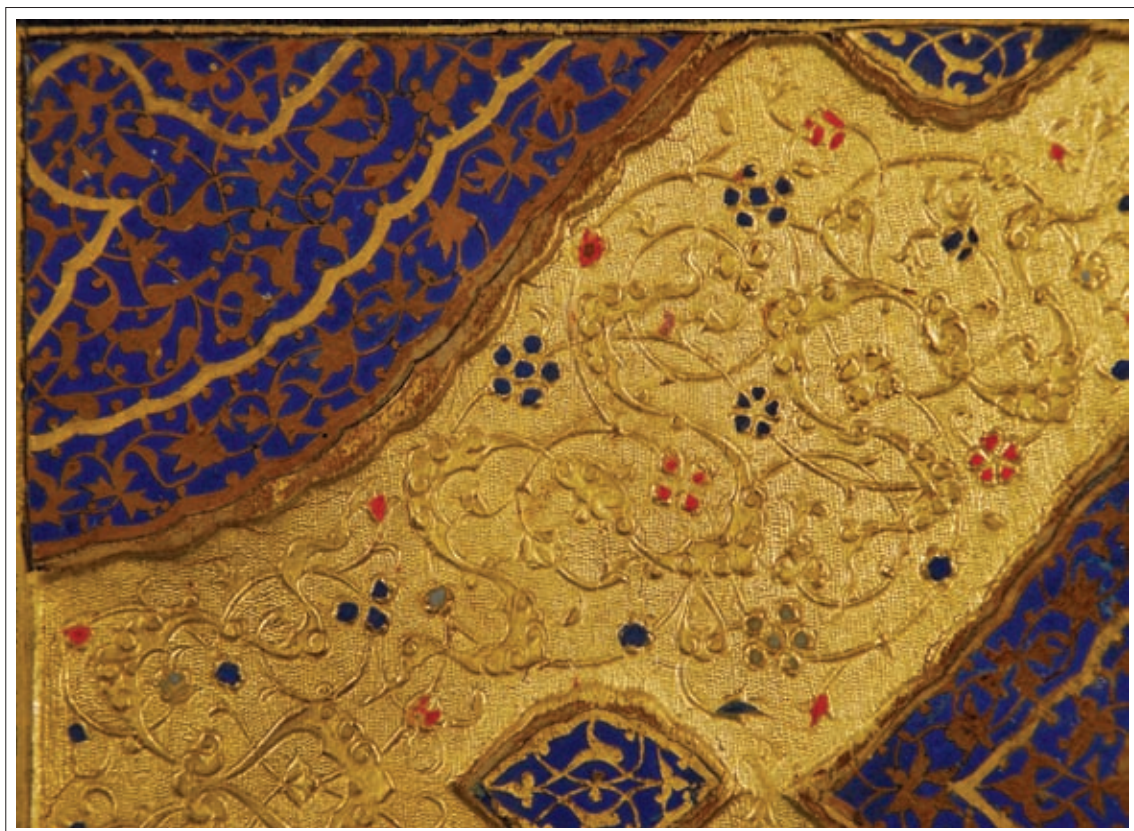
ت ۱۱: نشان صحاف (۸)، گ ۱۰۹.



ت ۱۰: نشان صحاف (۷)، گ ۱۰۸.



ت ۱۲: قسمتی از جلد قرآن، لاکه، خط جلد: احمد نیریزی، ۱۱۱۸ق، نوع خط: رقاع (خط داخل ترنج و سرترنج هنگام ترمیم بازنویسی شده است).
(قم: موزه آستانه حضرت معصومه^{علیها السلام}، ش ۱۲۰۸).



ت ۱۳: قسمتی از داخل جلد، ضربی / معرق، اواخر دوره تیموری، اوایل صفوی (قم: موزه آستانه حضرت معصومه^{علیها السلام}، ش ۱۲۲۷).

این ناهمگونی در آغاز به کاتب یک دست‌نویس باز می‌گردد، او اولین کسی است که لت‌های نابرابر را برمی‌گزیند و بر اساس آنها نگارش خود را پی می‌گیرد، شاید این رفتار در آخرین جزو از سراجبار و رو به پایان رفتن نوشته سرزند، اما در جزوهای میانی چنین دلیلی پذیرفتنی نخواهد بود و بایست به جستجوی عواملی دیگر برخاست که تحقیقی مستقل را می‌طلبد. از طرفی اگر کاتب در سمت چپ یک لت مرکب خطایی غیر قابل جبران شود مجبور است لت را به دو نیم کند و سمت راست را به عنوان برگگی تکی نگاه دارد، چنین رویدادی باعث می‌شود صحاف در جزو مربوط به این برگ اصلاحاتی انجام دهد که نتیجه آن ناهمگون گشتن تعداد لت‌های جزوها و رخ نمودن برگ‌های الحاقی خواهد بود. در مراحل بعدی این ترمیم‌کاران هستند که چنین ناهمگونی را شدت می‌بخشند، ترمیم‌های شتابزده و استفاده از راه‌های کوتاه‌تر آشکارترین عاملی است که منجر به برهم خوردن نظم در تعداد لت‌های جزوها می‌گردد و برگ‌های الحاقی را افزایش می‌دهد.

نسخه قرآنی که ما درباره آن سخن گفتیم نیز آینه‌ای از همین رخدادهاست و از همین روی تعداد نشان‌ها در برخی جزوها از یک تا شش ادامه یافته و برگ‌های تکی نیز به‌طور جداگانه نشان‌گذاری شده‌اند، البته گاه نیز ترمیم‌کار خود را نیازمند نشان‌گذاری برگ‌ها ندیده و برخی از آنها را بدون استفاده از نشانه مرمت کرده است.

اما ترمیم‌کار دوم، به نظرم از وسیله‌ای استفاده کرده که برای سوزنی نمودن بخش‌هایی از تذهیب و یا ترام نمودن سطح جلدهای نفیس به کار می‌رود. در بسیاری از جلدهای نفیس پس از فشردن قالب‌ها و ایجاد نقش‌های برجسته تمامی و یا بیشتر سطح آن با آب طلا پوشیده می‌شود، سپس برای آنکه نقش‌ها از درخشندگی بیشتری برخوردار باشند و بهتر دیده شوند زمینه آنها پر از نقطه‌های بسیار ریز و فرو رفته‌ای می‌گردد که کم‌تر نور را منعکس می‌کنند.*

وسیله‌ای که برای انجام این کار مورد استفاده قرار می‌گیرد میله‌ای باریک و بانوکی همانند یک سوزن کُند است که ترمیم‌کار از آن برای علامت‌گذاری برگ‌های در حال ترمیم نیز بهره‌برده است.*

شاید هدف قرار دادن یک نکته با عنوان «نشان صحاف» و به فراموشی سپردن دیگر نکته‌های مرتبط با آن، این ذهنیت را برای خواننده سطور پیشین پدید آورد که ما در نسخه محمود الکاتب شاهد برگ‌هایی خواهیم بود که در دسته‌های هشت‌تایی تشکیل چهار لت را می‌دهند و سراسر این نسخه از جزوهایی یکسان به وجود آمده، نشان‌ها به‌طور منظم از یک تا هشت و به تعداد جزوهای این دست‌نویس قرآنی تکرار شده‌اند و هنگام ورق زدن می‌توان چنین پدیده‌ای را مشاهده نمود؛ اما بسیاری از دست‌نویس‌های اسلامی دارای چنین ویژگی نیستند و جزوهای آنها از لت‌های یکسان تشکیل نشده و حتی برگ‌هایی تکی که به جزوها ملحق گشته‌اند نیز به فراوانی یافت می‌شوند.

Nameh-ye Baharestan: vol. 10, 2009, ser. no. 15

The Binder's Mark (A Note on Binders' Technique in Ordering the Quires)

Mohammad TEHRANI
(Qom)

Repairing damaged folios of Islamic manuscripts by adding a new paper to their worn out edges is quite a common mending technique in which the worn out edges are cut away and a new border is pasted to the remaining text. In the course of this type of repair, it is necessary to dismantle the manuscript into folios. Therefore, the possibility that the order of the folios' verso and recto sides as well as their sequence be disturbed is quite high; and care should be taken to avoid this incident. Some menders had devised certain marks to help them evade this problem. They used a hard point to impress a delicate mark on the bottom of the first folio, two marks at the foot of the 2nd folio, and continued marking every folio of the quire in this manner. Occasionally, the mender would place small dots instead of lines and mark the folios by pricking.

Sometimes the quires of a codex are made of folios of different size. One even sees singletons added to some quires, which may have been inserted either by the scribe or by the mender.

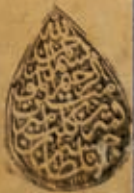
In a manuscript of the Koran which was copied by Ibn Bawwāb in 1115 A.D./ 509 A.H., and is presently kept at the museum of the saint Ma'sūma's shrine in Qom, the mender has marked the quires to maintain their original order. He has however, done so inconsistently.

من شتر الويس واسر الخناير الذي يوسوس في
صدور الناس من الجنة والناس



كتبه محمد المحقق البزاز بن تاج الدين
محمود الكاتب في السابع والعشرين من
شعبان سنة تسعين وخمسين مائة
لله تعالى وصلى على محمد وآله وسلم

سنة
٥٩
حص
ص



بسم الله الرحمن الرحيم



ت ١٤: انجامة قرآن، به خط ابن مقلة بن سليمان محمود الكاتب، ٢٧ شعبان ٥٠٩، با مهر: «بسم الله الرحمن الرحيم كمتريين كلب اميرالمؤمنين سلطان حسين ١١١٦».

(قم: موزة آستانة حضرت معصومه (ع)، ش ١٢٠٨)